



شماره ۴۰، سال چهارم - بهمن ماه ۱۳۸۶ برابر با فوریه ۲۰۰۸

نشریه برونمرزی

جبهه ملی

ارگان نیروهای ملی ایران

سرمقاله

هوشنگ کردستانی

تحریم انتخابات

هموطنان عزیز، ایرانیان دردکشیده و آزاده،

بیست و نه سال از حکومت ننگین جمهوری اسلامی گذشت و رژیم با براه انداختن خیمه شب بازیهای انتخاباتی در حال برگزاری نهمین دوره انتخابات مجلس خود است. رژیم در حالی این انتخابات را برگزاری می کند که با بحران های عمیق داخلی و خارجی مواجه است و برای ادامه حیات خود، نیاز به مشروعیت بخشیدن به حکومت خود دارد. بی دلیل نیست که حکومتگرانی که همه از یک قماش هستند و در سرکوب اعتراضات مردم و قتل عام زندانیان سیاسی بیگناه، شکنجه و آزار جسمی و روحی ده ها هزار مخالف سیاسی و هزار و یک جنایت دیگر دست داشته اند، برای کشاندن تعداد بیشتری به پای صندوق های رأی، به ترندهای مختلف دست زده و با شعارهای پوچ و تو خالی برای بقای رژیم به تکاپو افتاده اند. مردم ایران این تجربه را بدست آورده اند که این رژیم، صرف نظر از اینکه کدام جناح حاکم بر سرزمین ما است، یک بقیه در ص ۳

مبارزه کسب قدرت میان جناح های حاکمیت

و بی تفاوتی مردم

چهار سال پیش که مردم ایران از اعتماد کردن به وعده های تبلیغاتی و بازی های سیاسی جناح موسوم به دوم خرداد و نقش مخرب آنها در سرکوب آزادی خواهان در راستای بقای نظام، آگاه شده و به این نتیجه رسیده بودند که جناح های قدرت در حاکمیت اسلامی گر چه برای رسیدن به قدرت و سوء استفاده مالی و غارت اموال عمومی با یکدیگر اختلاف داشته و دارند، ولی در یک مورد هم عقیده و هم رأی هستند، آنهم حفظ و بقای نظام است که با محو آزادی و سرکوب آزادی خواهان و ملی گرایان امکان پذیر است.

آنها می دانند که در نظام مردم سالار آینده نه تنها امکان حفظ اهرمهای قدرت و ادامه سوءاستفاده های مالی و ثروت اندوزی های افسانه ای ندارند بلکه، می بایست در برابر ملت پاسخگوی همه جنایات های ضد بشری خود نیز باشند.

مردم در اثر تجربه به این دریافت درست رسیده اند که جناح های قدرت در حاکمیت اسلامی، حضور و شرکت مردم را در انتخابات برای تأیید کردن کسانی می خواهند که صلاحیت شان به تصویب شورای نگهبان رسیده و به اصل ولایت فقیه باور داشته باشند. و نیز برای آنکه به دنیای خارج نشان دهند که گویا در ایران اسلامی، آزادی و دموکراسی وجود دارد.

در درازای ۷۴ سال عمر نظام روسیه شوروی که مردم می بایست از میان نامزدهای تعیین شده توسط سران حزب کمونیست یک یا چند تن را به نمایندگی برگزینند، هرگز مشاهده نشد که رسانه های خبری غرب وجود آزادی انتخابات در روسیه شوروی و سایر کشورهای کمونیستی اروپای شرقی را تأیید کرده باشند. در صورتیکه در جمهوری اسلامی که انتخابات تقریباً به همان شکل صورت می پذیرد، بقیه در ص ۲

در این شماره می خوانید:

- مبارزه کسب قدرت میان جناح های حاکمیت ...
هوشنگ کردستانی
- تحریم انتخابات
بیانیه دفتر مرکزی سازمان جوانان ملی ایران - خارج کشور
- سخنان روح الله خمینی پیش از آمدن به ایران
- بیانیه هیئت اجرایی جبهه ملی خارج از کشور به مناسبت ۲۲ بهمن
- تحریم خیمه شب بازی انتخابات
دکتر حسن کیانزاد
- بررسی وضع موجود در آستانه نمایش «انتخابات»
دبیرخانه حزب ملت ایران
- درمان جاوید
سروده ای از میرزا آقاخان کرمانی

ایران متعلق به همه ایرانیان است

سخنان روح الله خمینی را پیش از آمدن به ایران بخوانید و با آنچه در ایران اتفاق افتاد، مقایسه کنید.

در ایران اسلامی علما خودشان حکومت نخواهند کرد و فقط ناظر و هادی امور خواهند بود. خود من نیز هیچ مقام رهبری نخواهم داشت و از همان ابتدا به جرحه تدریس خود در قم برخواهم گشت.

مصاحبه با خبرنگاری رویتر، نوفل لوشاتو، ۵ آبان ۱۳۵۷ در جمهوری اسلامی کمونیستها هم در بیان عقاید خود آزاد خواهند بود.

مصاحبه با سازمان عفو بین الملل، نوفل لوشاتو، ۱۰ نوامبر ۱۹۷۸ در جمهوری اسلامی زنان در همه چیز حقوقی کاملاً مساوی با مردان خواهند بود.

مصاحبه با روزنامه گاردین، نوفل لوشاتو، ۱ آبان ۱۳۵۷ در حکومت اسلامی رادیو، تلویزیون، و مطبوعات مطلقاً آزاد خواهند بود و دولت حق نظارت بر آنها را نخواهد داشت.

مصاحبه با روزنامه پیزا سره، نوفل لوشاتو، ۲ نوامبر ۱۹۷۸ در منطق اینها آزادی یعنی به زندان کشیدن مخالفان، سانسور مطبوعات و اداره دستگاههای تبلیغاتی. در این منطق تمدن و ترقی یعنی تبعیت تمام شریانهای مملکت از فرهنگ و اقتصاد و ارتش و دستگاههای قانونگذاری و قضایی و اجرایی از یک مرکز واحد. ما همه اینها را از بین خواهیم برد.

سخنرانی برای گروهی از دانشجویان ایرانی در اروپا، نوفل لوشاتو، ۸ آبان ۱۳۵۷

ما همه مظاهر تمدن را با آغوش باز قبول داریم.

سخنرانی برای گروهی از ایرانیان، نوفل لوشاتو، ۱۹ مهر ۱۳۵۷ برای همه اقلیتهای مذهبی آزادی بطور کامل خواهد بود و هر کس خواهد توانست اظهار عقیده خودش را بکند.

کنفرانس مطبوعاتی، نوفل لوشاتو، ۹ نوامبر ۱۹۷۸ نه رغبت شخصی من و نه وضع مزاجی من اجازه نمیدهند که بعد از سقوط رژیم فعلی شخصاً نقشی در اداره امور مملکت داشته باشم.

مصاحبه با خبرنگاری اسوشیتد پرس، نوفل لوشاتو، ۱۷ نوامبر ۱۹۷۵

دولت اسلامی ما یک دولت دموکراتیک به معنی واقعی خواهد بود. من در داخل این حکومت هیچ فعالیتی برای خودم نخواهم داشت.

مصاحبه با تلویزیون NBC، نوفل لوشاتو، ۱۱ نوامبر ۱۹۷۸ من نمیخواهم رهبر جمهوری اسلامی آینده باشم. نمیخواهم حکومت یا قدرت را بدست بگیرم.

مصاحبه با تلویزیون اتریش، نوفل لوشاتو، ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸

در جمهوری اسلامی زنها آزاد خواهند بود. در تحصیل هم آزاد خواهند بود. در کارهای دیگر هم آزاد خواهند بود.

مصاحبه با هفته نامه گاردین، نوفل لوشاتو، ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸ پس از رفتن شاه من نه رئیس جمهور خواهم شد، نه هیچ مقام رهبری دیگری را به عهده خواهم گرفت.

مصاحبه با روزنامه لوموند، نوفل لوشاتو، ۹ ژانویه ۱۹۷۹

احضار سخنگوی جبهه ملی ایران به وزارت اطلاعات

بنا بر خبر از تبریز نیوز، سرویس حقوق بشر:

دکتر «داوود باوند» سخنگوی جبهه ملی ایران، روز یکشنبه

۱۴ بهمن ۱۳۸۶ به وزارت اطلاعات فرا خوانده شد.

کوروش زعیم عضو شورای مرکزی جبهه ملی ایران در گفتگوی تلفنی با سرویس حقوق بشر تبریز نیوز ضمن تأیید این خبر گفت: ایشان از ساعت ۱۴ الی ۱۷ توسط وزارت اطلاعات بازجویی شده اند. گفتنی است، بیشتر نیز گذرنامه دکتر داوود باوند هنگام سفر به یک کشور خارجی (جهت شرکت در سمیناری) توسط نیروهای امنیتی ضبط شده است.

مبارزه کسب قدرت میان جناح های حاکمیت بقیه از ص ۱ همین رسانه ها برگزاری این نمایش را نشانه ای از وجود آزادی و دموکراسی در جمهوری اسلامی دانسته و به نوعی آنرا تأیید می کنند.

در این نوشتار از بحث کردن پیرامون این موضوع که چه فرقی میان روسیه شوروی آن روز و جمهوری اسلامی امروز، از دید قدرت های بزرگ وجود دارد در می گذریم.

چهار سال پیش مردم تصمیم گرفتند با عدم شرکت در انتخابات مجلس به کلیت نظام اسلامی پاسخ «نه» بگویند.

شخصیت های سیاسی و سازمان های آزادی خواه ملی اعم از جمهوری خواه یا مشروطه خواه مانند جبهه ملی داخل و خارج کشور، حزب ملت ایران، حزب مشروطه و احزاب چپ مستقل، از تحریم انتخابات توسط مردم پشتیبانی کردند.

با استقبال گسترده مردم از تحریم انتخابات، سردمداران اسلامی که طرحی برای گمراه کردن مردم و کشاندن آن ها به پای صندوق های رأی گیری تنظیم کرده بودند دچار سردرگمی و پذیرفتن شکست شدند.

قرار بر این بود که شورای نگهبان نخست صلاحیت اکثریت نامزدهای جناح اصلاح طلب را رد کند و سپس به دنبال اعتراض و تحصن نمایندگان اصلاح طلب در مجلس و دعوت از مردم به هواداری از خود، رهبر اسلامی دستور بازبینی صلاحیت ها را صادر که در نتیجه، شورای نگهبان در بازبینی، صلاحیت شماری از رده صلاحیت شدگان را تأیید کرد تا بدین ترتیب بازار به اصلاح انتخابات گرم گردد.

این که رهبری اسلامی چندی پیش اشاره کرد که کسانی قصد داشتند در انتخابات دوره پیش اخلاص کنند و موفق نشدند، آشکارا اشاره به تحریم انتخابات توسط مردم و گروه های سیاسی آزادی خواه بود.

عدم شرکت مردم در انتخابات و حضور اجباری و سازمان یافته حقوق بگیران حزب الهی، پاسدار، بسیجی و لباس شخصی ها به همراه خانواده هایشان باعث شد که ابتکار عمل سیاسی اصلاح طلبان با عدم موفقیت همراه شود و اکثریت کرسی های مجلس اسلامی در اختیار اصول گرایان قرار بگیرد.

تحریم انتخابات مجلس هفتم یکی از معدود مواردی بود که ابتکار عمل سیاسی با مردم و اپوزیسیون ملی و آزادی خواه بود.

اکنون مبارزه کسب قدرت میان جناح های حاکمیت اسلامی از حد متعارف و معمولی خارج شده و هر یک برای حذف دیگری و بقای خود دست به اعمالی می زند که بی سابقه است.

بقیه در ص ۶

بیانیه هیأت اجرایی جبهه ملی خارج کشور

به مناسبت ۲۲ بهمن ماه ۱۳۸۶

با فرا رسیدن ۲۲ بهمن، جمهوری اسلامی پا به آستانه سی امین سال استقرار نامیمون خود می گذارد.

در نظامی که بنیانگذار آن پیش از ورود به تهران گفته بود:

«ما همه مظاهر تمدن را با آغوش باز قبول داریم؛
در ایران علما حکومت نخواهند کرد؛

در جمهوری اسلامی زنان در همه چیز دارای حقوق
کاملاً مساوی با مردان خواهند بود و ...»

در این سالها می بینیم، همه امور مملکت در جهت خلاف مظاهر تمدن حرکت کرده و ایران تحت تسلط جابرانه آخوندها بیش از هر زمان از کاروان پُر شتاب تمدن جهانی فاصله می گیرد. بانوان آزاده ما نه تنها دارای حقوقی برابر با مردان نیستند، بلکه بیشترین ستم و آزار بر آنان روا داشته می شود.

آخوندها نه تنها حکومت می کنند، بلکه مملکت را به غارت برده اند. درآمد نفت و گاز را که نخست گفته شد به در خانه ها خواهند آورد و سپس ادعا کردند بر سر سفره مردم خواهند گذارد، یا به جیب گشاد آخوندها و بچه آخوندها رفت یا نصیب آدم گشان حرکت های اسلامی گردید.

در دوران تسلط به ناحق و جابرانه آخوندها بر سرزمین عزیز و ملت بزرگ ایران، درآمدهای حاصل از نفت، دو برابر بیشتر از کل درآمد ایران از نخستین روز کشف نفت در کشور تا سال ۱۳۵۷ بوده است. یا به عبارتی دیگر، این درآمد حدود ۷ برابر - به قیمت روز - تمامی کمک هایی است که دولت آمریکا بر طبق طرح مارشال برای احیاء کشورهای اروپائی به ویژه انگلستان، آلمان، فرانسه و ایتالیا پرداخت نمود تا چرخ های اقتصاد این کشورها که در اثر جنگ آسیب دیده بودند به کار افتد. این کمک ها نه تنها باعث احیاء اقتصاد این کشورها گردید، بلکه باعث شد آنها به قدرتهای بزرگ نیز تبدیل شوند.

جمهوری اسلامی با این درآمد هنگفت چه کرده و برای مردم ایران چه به ارمغان آورده است؟

ارمغانی که آخوندها و همدستان غیرعمامه ای آنان برای مردم ایران آورده اند، فقر و بدبختی، تورم و گرانی، شکنجه و اعدام، ناامیدی نسل جوانی که آینده ایران باید در سایه دانش، آگاهی و دست توانای او شکل بگیرد، بوده.

هر ایرانی که به دردها، بدبختی ها، بی عدالتی ها و ... اعتراض کند به اتهام اقدام علیه امنیت و واژگونی نظام

بازداشت و بدون برخورداری از امکانات دفاعی، شکنجه و اعدام می شود. چطور ممکن است کسانی که منابع ملی را به غارت برده و می برند و عامل اصلی بدبختی های مردم شده و کشور را به نابودی و ناامنی کشانده اند، دم از حفظ امنیت مملکت بزنند.

هم مین گرامی

برای نجات مردم ایران از شرایط اسفناک و دردناکی که با آن دست به گریبان هستیم، تنها یک راه وجود دارد و آنهم ایجاد یک اتحاد و همبستگی ملی که حول شعار تحقق آزادی و استقرار حاکمیت مردم ایران است، می باشد.

هیأت اجرایی جبهه ملی خارج کشور، ۲۲ بهمن ۱۳۸۶

تحریم انتخابات ...

بقیه از ص ۱
رژیم به غایت ضد حقوق بشر و اصلاح ناپذیر است. به همین دلیل، تا بحال ملت ایران با عدم شرکت در انتخابات گوناگون رژیم، مشروعیتی را که رژیم به دنبال آن بود، به آن ندادند. اکنون نیز، در آستانه انتخابات نهمین دوره مجلس که شرایط زندگی فردی و اجتماعی مردم به مراتب وخیم تر شده، دامنه فقر، بیکاری، گرسنگی، عدم امنیت، نبود امکانات درمانی، بی مسکنی و شکاف طبقاتی تعمیق یافته. مواد مخدر میلیون ها جوان را به کام خود کشیده، تن فروشی زنان و کودکان خیابانی به یک معضل اجتماعی تبدیل شده و یک مشت نو سرمایه دار دولتی که قدرت سیاسی و اهرم های اقتصادی کشور را در دست دارند، بیش از گذشته به چپاول ثروت جامعه دست زده اند و شالوده تولیدات صنعتی و کشاورزی را از هم پاشیده و جامعه را نیازمند واردات کرده اند.

مردم با خودداری از شرکت در انتخابات، نه تنها به تحریم انتخابات خواهند پرداخت، بلکه به این وسیله و برای یک بار دیگر، تنفر عمیق خود را از حاکمان ظالم که تلاش می کنند، چهره منفور خود را، بزرگ کنند، ابراز خواهند کرد و دست رژیم برای سؤاستفاده از نام آنان و استخراج آراء قلابی خواهند بست.

سازمان جوانان جبهه ملی ایران هم صدا با مردم ستم کشیده ایران، ضمن اظهار همبستگی با زندانیان سیاسی، اعتراضات کارگران، دانشجویان، پرستاران و معلمان، شعار تحریم انتخابات را با عنوان شعار کلیدی نفی کلیت رژیم جمهوری اسلامی، آغاز خیزش های اجتماعی و شمارش معکوس سرنگونی رژیم و رسیدن به یک جامعه برابر و آزاد در پوشش حکومتی مردمسالار سر می دهد.

با اعتقاد به آزادی و حفظ یکپارچگی ایران بدست ملت ایران

دفتر مرکزی سازمان جوانان ملی ایران - خارج کشور
۲۲ بهمن ماه ۱۳۸۶

تحریم خیمه شب بازی انتخابات راهگشای جنبش مردم سالاری ایرانیان است

شرکت در انتخابات، «تحریم شرکت در آن» یا «کمی شرکت و کمی تحریم» ارایه دادند که آگاهی به آورده هائی از آن گفت و شنود، می تواند در گزینش رویکردهای ما و همچنین دامنه خواست های ملی ما از اَلیت و برگزیدگان «پوزبسیون فعلا موجود» راهگشا باشد.

دیدگاه نخستین: نظام جمهوری اسلامی، برابر قانون اساسی اش، استبدادی است، بمانند استبداد ۲۵۰۰ ساله که غلیظ تر هم شده است اما لباس قانون برتن کرده است. این نظام تنها فقهانی نیست، فاشیستی و ناسیونالیستی است. داستان اتمی می شود پناهگاه ملی و نماد پشتیبانی مردم. آنچه خامنه ای بگوید شرع است و قانون. هشناد درصد قدرت در دست یک نفر است. بهنگام انتخابات، مسئولین نسبت به مردم مهربانتر میشوند، قربان صدقه مردم میروند. شرایط کنونی گروه بندیها: در جبهه اصولگرایان سه پایه اصلی مؤلفه، اینارگران و طرفداران احمدی نژاد (رایحه خوش خدمت) کمیسیون ۶+۵ را بوجود آورده اند تا یک لیست مشترک را برای انتخابات ارایه دهند. شرط طرفداران احمدی نژاد اینستکه، دو جناح دیگر از هم اکنون پشتیبانی خود را از دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد اعلام بدارند که هنوز این خواست آنان بجائی نرسیده است. کروی در یک دیدار با خامنه ای با گرفتن سهم خود، پذیرفته است که از جناح اصلاحگرایان حمایت نکند. دوم خردادها می خواهند که خاتمی بمیدان بیاید که نخواهد آمد، احتمال انتخاب اش نیست. عملگرها دنبال یک سری آدمهای اجرائی هستند که جلوی چشم مردم بگذارند، ملی مذهبی ها هیچوقت شانس نداشته اند. انتخابات نیاز به یک «آدم بده» (آدم قربانی) دارد، این بار می تواند این آدم بده، احمدی نژاد باشد. باید دید که خامنه ای در کجا قرار دارد. سپس سخنران سه پرسش مطرح می کند و خود هم اقرار می کند، که پاسخی برایشان ندارد.

الف: شرکت نکردن در انتخابات یک امر تاکتیکی برای مخالفین است. مردم جلو بروند؟ نروند؟ در این فضا کاندید شدن اصلاحگرایان منتفی است. آیا به صلاح است که بمردم بگوییم بیاید رای بدهید که دولت احمدی نژاد را ساقط کنند؟ (مقصود تغییر آرایش نمایندگان در مجلس هشتم است) این پرسش تاکتیکی است.

پ: اگر پاسخ مثبت باشد آیا مثل دوره جنبش اصلاحات، که ۷ درصد مردم رای دادند، با توجه به شکست آن جنبش، آیا مردم خواهند آمد؟، آیا سنگ روی یخ نخواهیم شد؟

پ: به فرض که پاسخ آن دو پرسش مثبت باشد، آیا جامعه جهانی را میشود بسیج کرد، که در انتخابات ریاست جمهوری به سمت یک شخص از خارج از نظام رفت؟ می دانیم که جمهوری اسلامی زیر فشار مردم نمی رود. در رابطه با غنی سازی هم زیر فشار خارج نمی رود. اگر اصلاحگران به مجلس بروند، آیا باز هم تجربه هشت ساله دوران خاتمی تکرار خواهد شد؟

دیدگاه دوم:

گذار از استبداد به دموکراسی از طریق انتخابات آزاد نه بعنوان شعار محوری، بلکه استراتژیک مطرح است. انتخابات در جمهوری اسلامی غیردموکراتیک بوده، ولی بین نهادهای گوناگون عملکرد داشته است. یعنی جابجایی میان نهادهای از کانال انتخابات گذشته. مثلاً امکانات محدود برای اصلاحگران وجود داشته است. چند دوره است که روحانیت نقش خود را در ساختار قدرت از دست داده و سپاه قدرت را در دست گرفته است. لیست سپاه توانست در انتخابات گذشته پیروز شود. پنجاه تن از افراد سپاه بیرون آمده اند، کاندید میشوند و به مجلس خواهند رفت. این انتخابات برآتب در فضایی سخت تر برگزار شده و سرکوب ها بیشتر خواهد شد.

بقیه در ص ۵

در آستانه بیست و نهمین سالگرد انقلاب فاجعه آفرین اسلامی ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ گفت و شنود پیرامون انتخابات مجلس هشتم در درون و برون مرز آغاز گشته و در این میان بمانند دوره های پیشین، همچنان بخشی از رهبران و کارورزان گروههای اپوزبسیون، بویژه بیرونیان پشتیبان «اصلاح گرایان» در طیف گسترده چپ و ملی مذهبی ها و دیگر حامیان بانفوذ انقلاب اسلامی، که از نهادهای قدرت کنار گذاشته شده اند، در ارایه نظر و تصمیم درباره شرکت و یا عدم شرکت در «انتخابات فرمایشی» با مشکل و سردرگمی، روبرو گشته اند. در حالیکه نهضت آزادی با انتشار یک بیانیه، بگونه یک مانور سیاسی، امکان انجام یک «انتخابات آزاد»، آنهم - در شرایط حاکم استبداد مطلق - خواستار نظارت بین المللی بر جریان انجام آن می گردد و بگونه ای مشوقانه به حکومتگران اطمینان می دهد، که یک چنین نظارتی به خواست دولت ها، نه تنها در راستای تضعیف حاکمیت ملی و اقتدار مشروع سیاسی آنان قرار نگرفته، بلکه به تثبیت نظام و دولتهای حاکم می انجامد و منافع گسترده ای را هم در وجوه سیاسی و اقتصادی برایشان به همراه دارد، گیرندگان آن بیانیه، یعنی حکومتگزاران از جمله «رهبر معظم» علی خامنه ای را بر آن داشت که زبان به سرخی و درشت گویی بگشاید و یک چنین خواستی را از دشمنان «بی شرمی» و جسارت به ملت ایران، بشمار آورد. ناگفته نگذاریم که این نخستین بار نیست که رهبران نهضت آزادی اینگونه مورد توهین و زخم و حقارت زبان ملایان قرار می گیرند و لب به دفاع نمی گشایند. خمینی بنیانگذار جمهوری ظلم و ستم اسلامی، آقای مهدی بازگان را در رابطه با مجلس آخوندی خبرنگاران در همان ماههای نخستین پس از انقلاب، که از رهبرش درخواست انحلال آنرا کرده بود، به همراه وزیرانش از خانه بیرون کرده و به نخست وزیر دولت موقت «خود برگزیده اش» میگویی، «من توی دهان نان می زنم اگر یک چنین حرفی را یکبار دیگر تکرار کنید». به نظر می آید که هنوز بخش بزرگی از دست اندرکاران انقلاب ۵۷، هرگونه درشت گویی، حقارت و بی حرمتی از سوی حکومتگران را بجان می پذیرند، تا شاید درب رحمت ولایت امر به روی آنان گشوده گردد، و آنان بآردیگر به حق و حقوق برپادرفته خود از انقلاب و استبدادی که با کمک خود بر ملت ایران تحمیل کردند، برسند. نگاهی به شیوه برخورد بخش دیگری از روشنفکران و سردمداران اپوزبسیون، بویژه جریان های فعال در انقلاب اسلامی، یعنی چپ انقلابی مارکسیست لنینیستی دیروزین و دموکراتیزه شده امروزین، دو دیگر نظریه پردازان اسلامی خط امام، که دیرزمانی است تنی چند از آنان ناامید از هم کیشان خود و حکومتیان از ترس جان به غرب پناه آورده اند و سه دیگر جریان ملی مذهبی برخوردار از اعتدال اندیشه وری (پشتیبان آیت الله شریعتمداری)، در یک پال تاک پیرامون «انتخابات آزاد»، نشانگر موضعی است انفعالی، عاجزانه و تسلیم و رضا در برابر حکومتگرانی که تمام ابزار و امکانات اعمال قدرت، چه اجرائی، رسانه ای و مالی را بدست گرفته و هرگونه راه نفوذ و رخنه بدرون ساختار سیستم انتخاباتی تحمیلی موجود را بر دگراندیشانی که از هم اکنون، خائن و مزدور و دست نشانده دشمن نام گرفته اند، بسته اند. در این پال تاک سه سخنران به مدتی بیش از دو ساعت تحلیل های سیاسی خود را پیرامون

تحریم خیمه شب بازی ...

غیردموکراتیک تر از پیش خواهد بود؟! پیشبرد مواضع اصلاحگران ضعیف شده، گرایش محافظه کارانه آنان تقویت شده، نوعی همان مواضع اعتماد ملی و کروی است. خامنه ای به کروی امتیاز میدهد که او با اصلاحگران متحد نشود. با توجه به وضعی که وجود دارد، فرصت چندانی به انتخابات باقی نمانده. تورم و بحران اقتصادی وضعیت را چنان دگرگون نمیکند که صحنه فعلی دگرگون شود. اگر جبهه اصولگرایان لیست خود را منتشر کند، آن لیست برنده خواهد شد. خامنه ای و سپاه، دیگر به سادگی اجازه نمی دهند که اصلاحگرایان پا به مجلس باز کنند، جلوی آنها را می گیرند.

اما سیاست ما. ما در این دور باید بتوانیم فعالانه شرکت کنیم، نه شرکت در انتخابات، بلکه در فضای انتخابات به عنوان خواست همگان که به مطالبات مشخص تبدیل شود بگونه یک شعار گسترده. حضور و نقش مردم روندی است که باید بتدریج شکل بگیرد. طرح آن پرسش ها زود است. یکی از تغییرات در رابطه با احمدی نژاد، جریان حاکمیت و ساختار حاکمیت است که دارد تضعیف می شود. بعید بنظر می رسد که در فاصله این سه ماه آن نیروی مردم به صحنه بیاید. تجربه اصلاحات به ذهنیت مردم صدمه زده است. مردم به این سادگی اعتماد نخواهند کرد.

دیدگاه سوم:

گروهی شرکت در انتخابات را بدلیل قانون اساسی و حکومت و از نظر عملی و نظری درست نمی دانند. زیرا که شرکت در آن مشروعیت برایش بوجود می آورد. گروهی دیگر براین باور است که شرکت در انتخابات، فضای سیاسی را در داخل کشور باز می کند. هیچیک از این دو، کار اپوزیسیون فعال نیست. اپوزیسیون حقوق خودش را فراموش کرده، ناکارآمد گشته است، «دوستان ما تبدیل به مفسرین میرز حکومت شده اند؟!». انتخابات آزاد بگونه ابزار استراتژیک برای تغییر وضع موجود کارآمد است. بدون توسل به نیروی مردم، به نهادهای بین المللی، سازمان ملل متحد، شکایت بدادگاه های بین المللی، کاری از پیش نمی بریم. حکومت در ایران همه کنوانسیون های جهانی را امضاء کرده و برسمیت شناخته است. اتکای ما باید به این قوانین گردد. نقش ما نباید تنها به ناظر و تحلیل گر خلاصه شود. انتخابات باید بگونه یک شعار محوری مطالبات اجتماعی، سندیکایی، کارگری و دانشجویی مطرح گردد. ما از کسانی حمایت می کنیم که از جنبش مطالباتی مردم ایران حمایت کنند، «حال چه در دایره قدرت حکومت و یا در بیرون آن قرار گرفته باشند؟!». تحریم صحیح نیست. زیرا، «بصورت ایدئولوژیک حق خود را سلب می کنیم؟!». ما شرکت نمیکنیم و رای نمی دهیم، این صحیح است. آن پرسش های فرازین چون واضح نیستند، جوابی هم ندارند.

با توجه به مجموعه تحلیل های نظری فرازین از سوی سه شخصیت شناخته و سه جریان گونه گون سیاسی اپوزیسیون که میتوان از آن بمانابه «مشت نمونه خروار» است، سخن بمیان آورد، دریافت که چرا نیروهای مخالف رژیم درکلیت اش هنوز هم در آستانه بیست و نهمین سالگرد جمهوری اسلامی در برابر سلطه و مانورهای اقتدارگرایانه استبداد حاکم، بگونه اهرمی ناکارآمد و انفعالی درآمده که به درستی برآینده ترین استعداد و دانش و هنرشان، به نظاره گری رویدادها و تحلیل و تفسیر کنش های حکومتگران و اختلافات درون جناحی نهادهای قدرت بدست، بسنده گردیده و نه در راستای هماهنگی و همراهی بر سر اصولی که در پهنه اندیشه وری دموکراتیک، بدیهی، عرفی و متداول اند.

استوار بریک چنین پایه سست و لرزان تفکر به خود مشغول و خودشیفتگی برتری خواهانه است که، تنی چند از نخبگان سیاسی اپوزیسیون در برابر جمعی از ایرانیان شیفته و دلسوز به مسائل ایران به سخن می نشینند، چونان دو دهه گذشته «کارشناسانه» و «مبرزانه» به تحلیل های نظری و تئوریک تکراری دست می یازند،

اما شوربختانه در گستره عمل، کمترین دستمایه ای را که بتواند مشکل گشا، کارآمد و امید آفرین باشد، ارایه نمی دهند. در این مرحله از مبارزه که مافیای جمهوری اسلامی کشور ما را در حصار انزوای مطلق سیاسی و اقتصادی جهانی درآورده است، وظیفه گروههای سیاسی و همه ایران دوستان آزاده در اینستکه، بدور از مرزبندیهای جبری و جدائی و اسارت آور چپ و راست، که سیاست بازان حرفه ای بر ما تحمیل کرده اند، خودآگاهانه سمت و سوی مبارزه و کنش های همسوی خود را متوجه عاملان اصلی شوربختی و تیره روزی مردم ایران، یعنی بی خردان و یاهو سرایان ستمگر حاکم کرده و موضع صریح و روشن خود را در آستانه انجام هشتمین دوره «انتصابات فرمایشی و فقهاتی» مجلس اسلامی که زنده یاد داریوش فروهر با جرات و صراحت آنرا «خیمه شب بازی انتخابات» نامید و تحریم اش را منتهورانه اعلام نمود، بیان بدارند که ما از آن بگونه زبرسخن به میان می آوریم:

۱- حاکمیت جمهوری اسلامی، استبدادی، ارتجاعی، قرون وسطایی و ضدملی است. بنابراین بر پایه قوانین و اصول فقهاتی مندرج در قانون اساسی آن، بویژه عملکرد نهادهای قضایی و اجرایی اش چونان بیست و نه سال گذشته، نمیتوان انجام هرگونه گزینش آزاد و مردمی را از سوی حکومتگزاران آن، انتظار داشت. در این راستا، ارایه هرگونه راهکار اپورتونیستی و تعریف و تحلیل های تنها بخود مشغول روشنفکرانه که در فراز از آن سخن به میان آوردیم، راه گشا و مشکل گشا نبوده و به خواست های بنیادین مردم ایران، که برکناری حاکمیت فقهاتی، از اریکه قدرت می باشد، جامه عمل نمی پوشاند. چشم امید به لایه هائی از درون ساختار حاکمیت که بنیادریستی و کاذبانه «اصلاح گران» نام گرفته اند، جز دور افتادن از جنبش مردمسالاری و فرسایش نیرو و زمان، فرآیندی دیگر، بهمراه نخواهد داشت. کارنامه هشت ساله دولت خاتمی آزمونی است که دیگر نیازی به آزمودن دوباره آن نمی باشد.

۲- نمی توان از یکسو شرکت در انتخابات فقهاتی را به سبب برخورد های حذفی شورای نگهبان و بسته بودن راههای رقابت، رد کرد (نهیض آزادی و انصراف خود را از ورود به مبارزه بیان داشت، اما از سوی دیگر، موعظه گرانه به حکومتیان هشداد داد که در صورت ادامه روشهای نادرست گذشته، شکاف ها حتی در درون نظام عمیق تر میشود و در آن صورت تمایلات و گرایشات ساختارشکن بیرون از نظام شکل میگیرند و رشد می کنند که حاصل آن معلوم نیست به نفع مصالح ملی کشورمان تمام شود. بنابراین رهبران نهیض آزادی، نگران فروپاشی ساختار نظامی هستند که در بیست و نه سال گذشته برای ملت ایران در درون، محنت و محرومیت و حفارت و بندگی و تنگدستی ببار آورده و در پهنه سیاست خارجی منافع و مصالح ملی کشور ما را در طبق اخلاص بیش روی تروریست های اسلامی حزب الله لبنان و عراق و سوریه نهاده و این چنین میهن مان را به انزوای مطلق سیاسی و اقتصادی دچار ساخته است.

۳- در آغاز این نوشتار با اشاره به فرآیند پال تاکی که، سه تن از فعالان و نخبگان سیاسی اپوزیسیون برون مرزی پیرامون «انتخابات فقهاتی» سخن راندند و در پایان هم راه حل مشکل گشا و کارآمدی را ارایه ندادند، بروشنی می توان همسویی و همخوانی های نظری و تحلیلی مشابهی میان آنان با نهیض آزادی، مجاهدین انقلاب اسلامی و «اصلاح گران» در درون جامعه ایران مشاهده کرد. از جمله، همه از یکسو می گویند، در انتخابات شرکت نمی کنیم،

تحریم خیمه شب بازی ...

بقیه از ص ۵
ولی از سوئی دیگر می خواهند از کاندیداهائی که از فیلتر شورای نگهبان و نهادهای اطلاعاتی رژیم گذشته اند، در صورتیکه از جنبش مطالباتی مردم ایران حمایت کنند، حال «چه در دایره قدرت حکومت و با در بیرون از آن» قرار گرفته باشند، پشتیبانی کنند. اما این نظریه پردازان و فعالان سیاسی بیرون و درون مرزی، خودبخوبی از سرنوشت همه آن هزاران هزار مدافعین جنبش های مطالباتی مردم ایران در درون زندانها و شکنجه گاههای رژیم و یا ربوده شدگانی که اجسادشان را در بیابانها رها کردند، آگاهی دارند. قتل های زنجیره ای از جمله نمونه های زنده ای از درندگی و خون آشامی گماشتگان و دست پروردگان انقلابی رژیمی هستند، که هنوز هم بسیاری از سیاست بازان کهنه کار دیرین، چشم امید به اصلاح و استحاله اش بسته اند.

۴- می گویند «تحریم انتخابات» صحیح نیست، زیرا «به صورت ایدئولوژیک حق خود را سلب می کنیم»؟! می پرسیم کدام حقی را؟! از که و از چه؟! مگر ایرانیان در یک جامعه باز و آزاد زندگی می کنند که از حق و حقوق و آزادیهای متعارف در جهان آزاد، برخوردار باشند که خود اکنون با «تحریم» بخواهند آنرا از خود سلب کنند؟ شرکت و یا اختیار سکوت در رابطه با برگزاری یک چنین مضحکه و خیمه شب بازی فقهائی به نام انتخابات، معنایی جز قبول عبودیت، تسلیم و رضا و خواری و سلطه پذیری از سوی مستبدین و ستمگران حاکم، به همراه ندارد. بنابراین در این هنگام که حکومتگذاران جمهوری اسلامی با در دست داشتن تمامی ابزار قدرت و سرکوب و اختناق، راه را بر هرگونه جنبش آزادیخواهی، حقوق بشری و مطالباتی مردم ایران بسته اند، می تواند تحریم انتخابات، به مثابه یک «شعار محوری» از سوی اپوزیسیون دموکرات ایران بگونه راهبردی، بیانگر مقاومت یکپارچه و اعتراضی ملی ما در برابر رژیم گردد و سرانجام، شکل گیری و سامان گیری جنبش همبستگی و همراستی ما ایرانیان را، بشارت دهد. ♦

مبارزه کسب قدرت میان جناح های حاکمیت

بقیه از ص ۲
در شرایط کنونی، در برابر جناح طرفدار رهبر نظام که اهرم های قدرت اجرایی و نیز مجلس اسلامی را در اختیار دارد، ائتلافی میان سه حجت الاسلام: علی اکبر رفسنجانی، محمد خاتمی و مهدی کروبی پدید آمده است. این جناح قصد دارد که با یک تیر چند هدف را نشانه رود.
نخست: قصد داشت که انتخابات آینده مجلس و ریاست جمهوری اسلامی همزمان برگزار شود و طرح افزایش مدت دوره مجلس و کاهش مدت ریاست جمهوری را مطرح نمود، به این امید که مجلس و نهادهای ریاست جمهوری هر دو را در انتخابات آینده از دست رقیب خارج و از آن خود سازد. این طرح گر چه به تصویب مجلس رسید ولی با مخالفت شورای نگهبان روبرو شد و خنثی گردید.

دوم آنکه می خواست در صورت به دست آوردن اکثریت کرسی های مجلس اسلامی، احمدی نژاد را همانند ابوالحسن بنی صدر از ریاست جمهوری برکنار سازد.

سوم و مهمتر از همه آنکه برای کسب حمایت رهبر نظام و جلوگیری از مخالفت احتمالی او، بکوشد تا مردم را با این ترفند که با شرکت در انتخابات و با رأی دادن به نامزدهای جناح آن ها، از دست احمدی نژاد و گروه او رهایی خواهند یافت، مردم را به پای صندوق های رأی گیری بکشاند و ضمن کسب پیروزی، وانمود کند که نظام اسلامی مورد تأیید مردم ایران می باشد و بدین ترتیب برای نظام، کسب مشروعیت حقایق نماید، چیزی که رهبر نظام در شرایط کنونی سخت نیازمند آن است. ❁

بررسی وضع موجود در آستانه نمایش ...

بقیه از ص ۷
شرکت جوییم و توجیه گر تمامی این ناکامی ها و ناکار آمدی ها و کمبودها باشیم. اگر مجلس از نمایندگان راستین، نه دستوری تشکیل شده بود به دولت اجازه این رفتارهای ضد ملی را می داد؟

هم میهنان! همانگونه که بارها اعلام کرده ایم گذار از این برهه با انتخابات فرمایشی امکان پذیر نیست، که این زمین شوره سنبل بر نیارد جز اینکه ایران را به ورطه خطرناک تجزیه سوق دهد که خواست استعمارگران است. برای رسیدن به جامعه سالم، آزاد، مستقل، عادلانه و بدون تبعیض های قومی - جنسی و هرگونه تنگ نظری با داشتن دیپلماسی ملی بدون افتادن از ترس مار غاشبه به دام عقرب جراره، باید زمینه های انتخابات سالم فراهم شود. این دگرگشت با باور حزب ملت ایران تنها و تنها پس از انجام پیش شرط های یاد شده امکان پذیر است. بی شک امکان برگزاری انتخابات می تواند و باید فرصتی باشد برای بسیج واقعی همه توانایی های مردم در انتخاباتی آزاد و بی سانسور و فیلترهای هزار تو چون شورای نگهبان تا با پیروی از یک سیاست راهبردی ملی و آگاهانه منجر به استقرار حاکمیت ملی شود تا به واقع میزان رأی ملت باشد.

حزب ملت ایران از آنجا که بر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی پای می فشارد، تا فراهم آمدن زمینه های قانونی بدون از هرگونه خشونت جهت هرگونه گزینش، همچون ۲۷ سال گذشته از شرکت در اینگونه گزینش ها کناره جویی می کند، چون مشارکت در آن را مغایر با مصالح و منافع ملی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می داند.

درد بر داریوش و پروانه فروهر، رهگشایان مردم سالاری برقرار باد همبستگی تمام نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه آزادی زندانیان سیاسی خواست ملت آزاد ایران است
هم میهن سرنوشت خود را خود برگزین
دبیرخانه حزب ملت ایران، تهران، ۵ اسفند ۱۳۸۶ خورشیدی

برای پیروزی این طرح، بازی چهار سال پیش یکبار دیگر باید تکرار شود. نخست از اکثر نامزدهای اصلاح طلب حتی نوه های خمینی رده صلاحیت شود، سپس با آغاز انتقادات و تأیید مجدد برخی از رده صلاحیت شدگان بازار انتخابات گرم گردد. جناح های اصلاح طلب در داخل کشور و سازمان های وابسته به آن ها در خارج، از مردم بخواهند برای تمرین دموکراسی در انتخابات شرکت کنند و برای جلوگیری از انتخاب تندروها به نامزدهای اصلاح طلب رأی دهند. بدین ترتیب با شرکت مردم در انتخابات، هم رهبر خشنود شود و هم اکثریت کرسی های مجلس به ائتلاف سه حجت الاسلام تعلق گیرد و هم قدرتهای غربی دچار این توهم شوند که گویا در ایران اسلامی تحولی مثبت در حال رخدادن است، غافل از اینکه مردم می دانند دو تن از این سه حجت الاسلام هر یک، هشت سال متوالی رئیس جمهور و دیگری هشت سال در دو نوبت غیر متوالی رئیس مجلس اسلامی بوده و از دید مردم، اینها شریک جرم همه بدبختی ها و جنایت هایی هستند که در طول ۲۹ سال گذشته بر سر مردم شریف و آزادی خواه ایران آمده است.

رهبر اسلامی آنقدر آب از سرش گذشته که با این ظاهرسازی ها امید نجاتی برایش نیست. او ضمن نگرانی از عدم حضور مردم در رأی گیری، اساساً نگران یک قیام و خیزش مردمی بر علیه خود و نظام اسلامی است.

جناح احمدی نژاد هم که دست رقیبان را خوانده است، می کوشد از هر راهی که شده امکان ندهد بیشترین کرسی های مجلس اسلامی در اختیار آنان قرار گیرد.

مردم اما، به این خیمه شب بازی ها و مبارزه کسب قدرت جناح های درون حاکمیت اسلامی می خندند و تصمیم گرفته اند این بار نیز با ماندن در خانه ها و عدم شرکت در انتخابات فرمایشی یک بار دیگر به کلیت نظام استبداد مذهبی پاسخ «نه» دهند و ...

ای آفریدگار پاک
تو را ستایش می کنم و از تو یاری می جویم

بررسی وضع موجود در آستانه نمایش «انتخابات» کناره جویی از انتخابات

هم میهنان! انتخابات دوره هشتم مجلس شورای اسلامی در پیش است. یک بار دیگر صدای سرودهای میهنی و ملی که بهنگام هر انتخابات در سراسر میهن طنین افکن می شود تا احساسات ملی ملت را برانگیزند بگوش می رسد.

هم میهنان! جهان متمدن بر این باور است که شرکت در انتخابات هرگاه زمینه برگزاری سالم و آزاد آن فراهم شده باشد، راهی است بر رسیدن به مردمسالاری. از آنجا که انسان ها حق دارند در اداره عمومی کشور خود مستقیم یا از طریق گزینش نمایندگان که آزادانه و با اختیار کامل انتخاب شده باشند، شرکت جویند، اساس قدرت حکومت ها را اراده مردم می دانند. بروز و ظهور چنین اراده ای تنها در رعایت حقوق مساوی بین مردم و تأمین و تضمین آزادی رأی همگان ایجاد می شود. **انتخابات به مثابه روشی است که به مردم اجازه می دهد سرنوشت خود را در دست گیرند و در صورت تمایل، قوانین و سیاست های جاری را دگرگون کنند، تا آنجا که اختیار استیضاح و تغییر حکومتمکران را نیز دارا هستند. از اینرو این مکانیسم نباید از روح تهی شده به اجراری در خدمت مهره چینی ها و مقاصد گروهی و در نهایت به اهرمی ضد ملی و توجیه گر ناپسامانی ها تبدیل شود.**

حزب ملت ایران پس از سال ۱۳۵۹ بارها اعلام کرده است که پیش نیاز شرکت در انتخاباتی واقعی پدید آوردن فضای سیاسی باز از راه پاسداشت آزادی گفتار و نوشتار و آزاد گذاردن همه حزب های دگراندیش، اتحادیه ها و نهادهای مدنی و صنفی هر گروه اجتماعی و عدم تجاوز گروه های فشار به هر عنوان به زنان، جوانان، دانشجویان و کارگران است. **آزادی زندانیان سیاسی - مطبوعاتی و عدم تعقیب فعالان سیاسی - مدنی، دانشجویی، کارگری که به گناه اظهار عقیده به بند کشیده اند. دادن تأمین های لازم به ایرانیانی که ناگزیر به کشورهای بیگانه کوچ کرده اند برای بازگشت به میهن. بر رویهم برگزاری سالم انتخابات در گرو زنده داشت همه حقوق ملت است.**

هم میهنان! آیا در شرایط حاکم بر میهن ما اصولاً ملت از حقی برخوردار است؟ آیا پیش نیازهای یاد شده بر آورده شده اند یا روز به روز اوضاع بدتر و دامنه فضای سیاسی - اقتصادی - اجتماعی تنگ و تنگ تر و مردم سیاه روزتر نشده اند؟ آیا رده صلاحیت نامزدها به صورت بی سابقه که معایر با قانون است ملت را به بیراهه نخواهد برد؟

هم میهنان! آنان که شرکت در انتخابات را به هر قیمت توصیه می کنند آیا در کار شکل گیری جنبش دموکراسی در تمام امور کشور را دارا است، در عمل حق هرگونه تحقیق و تفحص از او سلب نشده است؟

آیا کسی که نامزد مورد نظرش نه بر اساس اصول قانونی که سلیقه ای در صافی های مختلف رد شده اند باز هم باید در این انتخابات شرکت کنند؟ و برخلاف افکار و باورهایش و بدون شناخت، به نامزدی که حکومت برای او برگزیده است رأی بدهند؟

آیا انتخابات در رژیم های تک صدایی، همچون ویتنرین فروشگاهی نخواهد بود که چون در آن وارد شوید در قفسه های آن بیکاری، فقر، گرانی، بی آیندگی، فرار مغزها، دشمنی با جهان، تبعیض های جنسیتی و قومی، خانوادگی و ... و در نتیجه اختناق و استبداد و زندان و بگیر و ببندها چیده شده است، آیا در این دکان ها چیز دیگر یافت می شود؟

هم میهنان! آیا باید مشاطه گر چهره زشت چنین گزینشی شد؟ آیا با عدم رعایت ابتدایی ترین حقوق بشر حتی انتخاب نوع پوشش برای نیمی از ملت، جایی برای حضور آنان در انتخابات باقی می ماند؟ **آیا شرکت در چنین انتخاباتی تأییدی نیست بر رفتاری که در کوی و برزن با زنان و دختران می شود، یا تأییدی نخواهد بود بر عدم وجود حتی یک روزنامه تحول طلب مستقل؟** **آیا تأییدی بر عدم وجود مدیریت کلان جامعه نیست که کشور و میهن را به رویارویی با جهان کشانده و در نهایت مجبور می شود به استعمارگران باج بدهد. یا ملتی که بر اقیانوسی از نفت و گاز زندگی می کند باید در سرمای زمستان بدون سوخت بماند؟** آیا شرکت در انتخاباتی اینگونه می تواند ما را به دموکراسی و حقوق بشر رهنمود کند؟ یا ملک و ملت را به قهقرا خواهد برد؟

هم میهنان! نتیجه چنین گزینش هایی و چنین نمایندگانی این است که آنگاه که رئیس جمهوری مورد تأییدشان در نشست قطر زیر تابلوی معجول «خلیج عربی» می نشیند از کسی کمترین صدایی در نمی آید یا با وزیر خارجه ای که سهم مشاع ملت را از دریاچه مازندران به ۱۱/۳ کاهش می دهد توانایی مخالفت و اعتراض نخواهد داشت. آیا حفظ استقلال اینگونه تأمین می شود ان هم با این مدیران؟ با اندوه، هر چه زمامداران در صحنه های بین المللی و امور داخلی درمانده تر و ناکارتر می شوند چون مجلسی مدافع ملت نداریم، بر موج سرکوب در داخل می افزایند که نتیجه آن مرگ دانشجویان در زندان خواهد بود تا کسی یارای ابراز عقیده نداشته باشد.

با چنین کارنامه زشت در حالیکه روزگار مردم بیوسنه سیاه تر و ناکامی ها افزونتر، فقر، تنگدستی فراگیر شده، بیکاری، نبود بهداشت و مسکن، گرانی، تورم، موج خودکشی، فرار مغزها از سرزمین مادری در میان زنان و مردان و جوانان سرسام آور، تباهی اخلاقی ناشی از عدم مدیریت درست، آیا جایی برای آزمودن دوباره همین گونه مجلس و نمایندگان هست که در انتخابات

به ویرانه بگزیده جا همچو بوم
همه در اسارت و دربندگی
نه آگه ز آزادی و زندگی
به حرمان جاوید از هر حقوق
مگر گشته ز آبادی علوی عقوق
کسی مالک مال و ناموس نیست
ندانند فریادرس را که کیست
بریده یکی را دو دست و دو پای
تنی مانده بر پای جانی به جای
یکی را به خنجر ببریده پی
یکی را به ناخن درون کرده نی
یکی را به مسمار گنده دو چشم
که هر که ببیند بسوزد به خشم
یکی را ز سر دور کرده دو گوش
که هر کس بدید آن برآرد خروش

مسمار: میخ

عقوق: نافرمانی، آزدن پدر یا مادر

تم: تاریکی، تیرگی

(فرهنگ عمید)

خوانندگان گرامی می توانند مطالب خود را جهت چاپ در
نشریه جبهه ملی خارج کشور، به نشانی زیر بفرستند.
راه تماس با سازمان جوانان جبهه ملی خارج از کشور:
www.javanane-melli.de
info@javanane-melli.de

نشریه

جبهه ملی ایران

خارج کشور

با مسئولیت هوشنگ کردستانی زیر نظر

هیأت تحریریه

هوشنگ کردستانی، مهندس مسعود هارون - مهدوی و

دکتر امیر هوشمند ممتاز هر ماه یک بار در خارج از

کشور انتشار می یابد

نوشتارهای با نام نویسنده در نشریه جبهه ملی ایران

خارج کشور، الزاماً نظر جبهه ملی ایران نیست.

در این شماره شعری از شهید راه آزادی اندیشه، میرزا آقاخان
کرمانی که پیش از پیروزی انقلاب مشروطه سروده است
می آوریم، به این منظور که مقایسه ای باشد از شرایطی که نظام
ولایت فقیه برای مردم ایران پدید آورده است با آن دوران.
به واقع در پاره ای موارد شرایط امروز مردم ایران در آستانه
سده بیست و یکم به مراتب اسفناک تر از صد سال پیش شده
باشد.

این سروده مربوط به دورانی از تاریخ سرزمین ما است که
حقوق بشر جهان شمول نشده و اکثریت مردم ایران و جهان
هنوز به حقوق انسانی خود آگاه نبودند و چهره دنیا و مناسبات
میان ملت ها و دولت ها در سایه استقرار، آزادی، دموکراسی و
پیشرفت های اعجاز آور علم، دانش و فناوری دگرگون نگشته
بود.

درمان جاوید

دیگر حال این مملکت برگشته است
همه جای اهریمنان گشته است.

گروهی همه بد دل و بد نهاد
دل خود به خون کسان کرده شاد

همانا که شد نیت اش آگهی
که شد خاک ایران ز مردم تهی

همه مردم از دست بیداد شوم
گریزند در هند و قفقاز و روم

یکی ره گذر کن به ایران دیار
که بینی یکی هیبت افزا مزار

بر آن ظلمت آباد وحشت سرای
نبینی یکی روح زنده به جای

همه رنگ ها رفته و روی زرد
پدیدار از چهره ها سوگ و درد

همه زهره ها گنده و باخته

همه پیکران زار و بگداخته

همه چشم ها گود و بگسیخته

مگر آبروی همه ریخته

کنتف کوز و گردن شده سرنگون
تو گویی یکی را به تن نیست خون

فرو رفته چشمان و بینی دراز

ز سیما پدیدار، سوز و گداز

همه مرغ تم، همه فال شوم